

دولت تراز اسلامی در عصر غیبت و حکمرانی ولایی در اندیشه شیخ مفید و امام خمینی (ره)

بهزاد قاسمی، استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام. Ghasemi.b@ihu.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی اندیشه سیاسی شیخ مفید و امام خمینی(ره) به مبانی دولت تراز اسلامی در عصر غیبت و فرایند حکمرانی ولایی مبتنی بر فقه تشیع بپردازد. با عنایت به این موضوع، فرایند تاسیس حکومت و نظام سیاسی در تشیع و دولت تراز اسلامی در زمان غیبت امام معصوم، از مباحث مهم و درخور توجه پژوهشگران و محققین این حوزه است. پژوهش ضمن بررسی سیر تکاملی فقه تشیع از شیخ مفید تا امام خمینی(ره)، کوشش می‌کند با خوانشی از اندیشه این دو اندیشمند دینی، سیر تحول حکمرانی ولایی و موفقیت امام خمینی(ره) در تأسیس دولت اسلامی تراز اسلامی پس از عصر غیبت را نشان دهد. پژوهش در صدد پاسخ دهی به این سوال اساسی است که، اندیشه ولایت فقیه/حکمرانی ولایی از شیخ مفید تا امام خمینی چگونه متحول شده؟ چه تاثیری در آینده سیاسی شیعه گذاشته است؟ نگارنده بر این باور هست که، پس از تشکیل نخستین حکومت اسلامی و اولین حکومت اسلامی در مدینه بوده و پس از آن فقه سیاسی شیعه از رحلت پیامبر تا کنون روند تکاملی خود را در زمینه دولت سازی و حکمرانی طی کرده است، با این تفاوت که، اندیشه سیاسی شیعی در عصر امام خمینی(ره) از مبانی فکری و نظری به عرصه (عملی) عملیاتی و تاسیس حکومت اسلامی و دولت تراز اسلامی در عصر غیبت توانسته حکمرانی ولایی را شکل دهد؛ که مبتنی بر فقه تشیع بوده و در آینده حیات سیاسی شیعیان جهان با محوریت آگاهی بخشی و هویت یابی سیاسی موثر شده است. تجربیات انقلاب اسلامی در زمینه حکمرانی اسلامی میتواند الگو و نمونه موفق در جهت تحقق دولت تراز اسلامی در سایر سرزمین‌های اسلامی شود.

واژه های کلیدی: دولت تراز اسلامی، شیخ مفید، امام خمینی، ولایت فقیه، حکمرانی اسلامی، رهبری.

۱. مقدمه

مبانی فکری و اندیشه سیاسی شیخ مفید و امام خمینی (ره) نقش و جایگاه ارزشمندی در سیر تحول تفکر اندیشه و فقه سیاسی تشیع داشته اند. هریک از اندیشمندان فقه شیعی از منظری مبدع و مبتکر اندیشه در عصر خود بوده اند. شیخ مفید را از جهاتی باید مبدع نظریه ولایت فقیه به شکل امروزی خود دانست. و امام خمینی مبدع و نظریه پرداز علاوه بر عرصه نظری این موضوع را وارد وادی عملی و موفق به کار بست نظریه سیاسی در نظام سیاسی شد. در نهایت منجر به تاسیس دولت و نظام سیاسی متکی بر اندیشه سیاسی تشیع در ایران شد؛ از سوی نظام اسلامی، توانست هم در زمینه تولید و پردازش نظریه و آراء سیاسی و هم در زمینه‌های سیاسی - عملی نقش آفرینی کند؛ آشکار است که شیخ مفید از اندیشمندان و نظریه پردازان قدیمی در عرصه فقه تشیع و امام خمینی (ره) نیز از فقهای معاصر بوده‌اند که جریان‌سازی نموده و هر کدام در بستر زمان خویش و حتی برای آینده نیز مؤثر بوده‌اند. سوال این است که اندیشه ولایت فقیه از شیخ مفید تا امام خمینی چگونه متحول شده؟ دیگری اینکه تحول در عصر امام خمینی چه تفاوتی با گذشته تاریخی خود داشته است و چه تاثیری در آینده سیاسی شیعه گذاشته است؟ نگارنده بر این باور هست که، فقه سیاسی شیعه از رحلت پیامبر تا کنون روند تکاملی خود را طی کرده است، با این تفاوت که، اندیشه سیاسی شیعی در عصر امام خمینی از مبانی فکری و نظری به عرصه (عملی) عملیاتی و تاسیس حکومت اسلامی و نظام سیاسی مبتنی بر فقه تشیع گذار کرده و در آینده حیات سیاسی شیعیان مؤثر شده است. حاصل و تلاش فکری شیخ مفید به نظریه پردازان در عرصه نظری انجامید و تلاش امام این اندیشه تکامل بخشیده و توانست حکومت اسلامی و نظام سیاسی را مبتنی بر این نظریه تشکیل داد. روش مقایسه تطبیقی داشتن رویکرد تجربی مبتنی بر روشی تطبیقی تاریخی است. ارند لیجفارت چنین استدلال می‌کند که در سیاست تطبیقی تمرکز اصلی بر خودش نیست، بلکه بیشتر روشی است که بر چگونگی تجزیه و تحلیل کردن تمرکز دارد و نه بر این که چه چیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، سیاست تطبیقی بر اساس موضوعی که در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تعریف نمی‌شود؛ بلکه بر اساس روشی که پدیده‌های سیاسی را مطالعه می‌کند، مشخص می‌شود (Lijphart, 1971:682). به طور کلی چندین راهبرد در تحقیقات تطبیقی می‌تواند به کار رود، اولی در طراحی نظام‌های دارای بیشترین تشابه که تنها در متغیرهای وابسته تفاوت دارند، تاکید دارد. دیگری، در نظام‌های دارای بیشترین تفاوت را دارند. در طراحی نظام‌های دارای بیشترین تفاوت به عنوان یک روش تحقیق تطبیقی، اثر متقابل بین نظام‌ها در کشورها تجزیه و تحلیل شده و سپس همه داده‌ها جمع آوری می‌شوند، نتایج بین نظام‌های متفاوت مورد مقایسه قرار می‌گیرد. اگر نتایجی که از این تحقیق به دست آمده است با یکدیگر متفاوت باشد، محقق باید روش تحقیق خود را به روش طراحی نظام‌های دارای بیشترین تفاوت تغییر دهد (Anckar, 2008:391).

پژوهش سعی می‌شود نخست در رویکرد تطبیقی یعنی مقایسه موارد مشابه که تنها در متغیرهای وابسته تفاوت دارند مورد بررسی قرار گیرد.

روش این پژوهش بر اساس روش تطبیقی می‌باشد و چارچوب نظری تحلیل گفتمانی به فهم دقیق مسئله کمک می‌کند. در واقع این پژوهش به مقایسه اندیشه‌های سیاسی شیخ مفید و امام خمینی در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان می‌پردازد.

۲. چارچوب نظری

نویسنده در بررسی خود پیرامون پاسخ سؤال از روش تحلیل گفتمانی به عنوان یکی از روش‌های تحقیق در علوم سیاسی بهره برده‌اند. تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده است، زمان کاربست مباحث گفتمانی در پژوهش‌های علوم انسانی را می‌توان در گسترش و بسط مطالعات زبان شناختی در آغاز قرن بیستم و تاسیس دانش نشانه‌شناسی، به ویژه آموزه‌های فردیناند دوسوسور دانست. سوسور زبان‌شناس سوئیس با طرح کردن ساختارهای زبانی و نقد روابط دال و مدلول، تحول بزرگی در زبان‌شناسی پدید آورد و از این حیث بنیانگذار نشانه‌شناسی نام گرفت (laclau and mouffe, 1987: 176). مطالعات گفتمانی تا دهه ۱۹۷۰ فقط در نشانه‌شناسی بوده و به شرایط اجتماعی و محیطی پدیده‌ها ارجاع داده نمی‌شد. بعدها در دهه‌های اخیر با رشد زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی وارد جریان تحلیل گفتمان شده، و به دنبال تحلیل گفتمان انتقادی افرادی چون وندایک، و فرکلاف به وجود آمد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴). «نظریه گفتمان» بر نقش زبان و بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تاکید می‌کند. ارنست لاکلاو و شانتال موفه این الگوی زبانی را به دانشی که خود از فرآیندهای سیاسی و اجتماعی داشتند بسط دادند. اولین حرکت این است که بپذیریم نظام‌های اجتماعی مطابق اصول گفتمان ساخته شده‌اند. این موید شخصیت نمادین روابط اجتماعی است. به هر حال، تفاوت‌های مهمی بین برداشت لاکلاو و موفه از گفتمان، و مفهوم سوسوری زبان وجود دارد. جهان محصول نظریه‌ها، ایدئولوژی‌ها و به عبارت دیگر، گفتمان‌ها است. یعنی بر این باور است که اشیا و پدیده‌ها از راه گفتمان‌ها معنا پیدا می‌کند. در واقع، گفتمان‌ها به معنای نظامی از نشانه‌های معنادار، که هویت سوژه و ابژه‌ها را شکل می‌دهند، سازه‌هایی ذاتا سیاسی هستند. بنابراین خود پدیده‌ها در چارچوب ساختارهای موجود عمل می‌کنند و تداوم جامعه موجود را مفروض می‌گیرند (تاجیک، ۱۳۷۸: ۷). فوکو گفتمان را برای اشاره به روال‌های منظم و قانون‌مندی به کار می‌برد که تبیین‌کننده شماری از گزاره‌ها هستند. یعنی قانون‌ها و ساختارهای نوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی پدید می‌آورند.

^۱. discourse analysis

گفتمان‌ها، مجموعه‌هایی از گزاره‌ها هستند که با موضوعی واحد سروکار دارند و به نظر می‌رسد آثاری همانند به بار آوردند. برای مثال، ممکن است مجموعه گزاره‌هایی باشند که به سبب نوعی پیوند یا فشار نهادی، به خاطر همانندی در خاستگاه‌هایشان، یا به علت همانندی در کارکردهایشان در یک گروه دسته‌بندی می‌شوند و آنها گزاره‌های دیگری را بازتولید می‌کنند که با پیش‌فرض‌های بنیادین خودشان سازگارند (میلز، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

هر حکم اگرچه شبیه گزاره است و در قالب زبان قابل بیان است، از جنس زبان نیست. مجموعه چند حکم، یک صورتبندی گفتمانی (شبکه دانایی، ایستمه) را شکل می‌دهند. از دید فوکو یک گزاره زمانی به یک حکم تبدیل می‌شود که چند ویژگی داشته باشد: در کنار احکام دیگر، در یک صورتبندی گفتمانی معنا یافته باشد و معیارهای صدق و کذب خود را با خود داشته باشد. تکرارپذیر و دامنه گسترش آن در سطح جامعه بالا باشد. تأیید یا انکار آن دارای پیامدهای اجتماعی جدی باشد (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

چنان که گفته شد، از مجموعه چند حکم در کنار هم یک صورتبندی و شبکه دانایی مربوط به آن روال‌ها تشکیل می‌شود که به آن ایستمه گفته می‌شود. به عبارت دیگر، آرایش‌های گفتمانی و روابط میان گفتمان‌های موجود در یک جامعه که برای تحلیل جامعه به سراغ آنها می‌رویم همان ایستمه است. ایستمه مجموع دانسته‌های یک دوره نیست، بلکه مجموعه پیچیده‌ای است از روابط میان دانش‌های تولیدشده در یک دوره و قوانینی که از طریق آن، دانش‌های جدید شکل می‌گیرند. با روشن شدن مفهوم ایستمه ما می‌توانیم در یک دوره خاص شباهت‌هایی را درک کنیم، به نحوی که علوم مختلف، به رغم اینکه با موضوعات مختلفی سروکار دارند، در سطح مفهومی و نظری واحدی فعالیت می‌کنند.

در این پژوهش نیز با بهره‌گیری از چارچوب تئوریک تحلیل گفتمان فوکو می‌بینیم، روش تحلیل گفتمان، تداوم اندیشه را نفی کرده، و به اثبات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوران‌های مختلف می‌پردازد. این الگو رشد و گسترش شاخه‌های دانش در اندیشه و جامعه اسلامی را از مسئله اعمال قدرت تفکیک پذیر نمی‌داند و معتقد است، دانش سیاسی مسلمانان همراه استقرار سازکارهای قدرت تکوین یافته است. از نظر لاکلائو و موفه، گفتمان‌ها با متحدساختن یک رشته اصول و عناصر سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی، به مفصل بندی خود در برابر مسایل و چالش‌های اساسی جامعه م‌پردازند (هوارث، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

چارچوب فکری و اندیشه شیخ مفید و گفتمان امام خمینی نیز دارای دال‌ها و نشانه‌ها و در حقیقت منظومه معنایی است که هر کدام در فقه سیاسی تشیع به نتایج خاص خود منتهی شده و در نهایت به تولید نظریه «ولایت فقیه» و «حکومت اسلامی» مبتنی بر این اندیشه انجامیده است.

۳- ولایت فقیه/حکمرانی ولایی، چارچوب فکری و گفتمان سیاسی شیخ مفید

ابوعبدالله محمدبن محمدبن نعمان، مشهور به «شیخ مفید» و «ابن معلّم» از بزرگان علم کلام و فقه شیعه بود. وی در سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ ق متولد شد. محل تولد او «عکبری»، شهری بر کرانه شرقی دجله در نیمه راه میان بغداد (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۳۸). وی همراه پدرش که ملقب به «المعلّم» بود، به بغداد آمد و نزد استادان عصر خویش تحصیل نمود. یکی از نقاطی که مذهب و تفکر شیعه در آن رسوخ کرد و در ضمیر و اندیشه مردم آن جای گرفت، «بغداد» است. شیخ مفید پس از گذراندن مقدمات تحصیل، در محضر استادانی همچون شیخ صدوق و ابن جنید اسکافی حضور یافت و از محضر آنان کسب علم نمود. با وفات شیخ صدوق، مقام پیشوایی شیعیان به شیخ مفید رسید که در مرکز خلافت و حوزه بزرگ دنیای اسلام می‌زیست.

شیخ مفید در عصر خویش، از بزرگان فقه و کلام شیعه بود. پس از کلام، موضوع بسیاری از کتاب‌های او را فقه تشکیل می‌دهد. در میان کتاب‌ها و رساله‌های فقهی او، کتاب المقنعه^۲، که شامل یک دوره کامل فقه جعفری است، به روشنی چهره فقهی این عالم بزرگ شیعه را نمایان می‌کند. اگرچه این کتاب تمامی فروع ممکن را دربر ندارد، اما در مجموع، یک دوره فقه روایی به شمار می‌آید که در آن زمان، به بسیاری از مسائل شرعی شیعه پاسخ می‌داد. در این کتاب، با دقت زیادی ابواب گوناگون فقه را تجزیه و تحلیل کرد، انسجام خاصی به آن بخشید و هر موضوعی را در باب ویژه‌ای قرار داد و به این وسیله، استفاده آسان از احکام را روشن ساخت. او از این راه، نه تنها شیعیان را به روش استدلالی سایر مسلمانان آشنا کرد، بلکه از زمان ایشان تاکنون، تمام دانشمندان شیعه بی‌واسطه یا باواسطه، از مکتب او استفاده کرده‌اند.

این کتاب تا حدی با دیگر کتاب‌های فقهی که تاکنون به نگارش درآمده متفاوت است؛ زیرا در آن، بابتی تحت عنوان «کتاب الانساب و الزیارات» وجود دارد (مفید، ۱۴۱۰: ۴۹۸). که در آن به بررسی مختصری از زندگانی امامان شیعه علیهم‌السلام، اهمیت زیارات، آداب زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام و مانند آن پرداخته است. طرح این باب از سوی شیخ مفید، آن هم در یک کتاب فقهی و در دوره زمانی حضور خلفای عباسی، نشان‌دهنده بینش والای این فقیه شیعه در زمینه تبیین مسائل اعتقادی و سیاسی شیعه است.

این عالم بزرگ شیعه در شب جمعه ۳ رمضان سال ۴۱۳ ق پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده در بغداد درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم و علما قرار گرفت و به تعبیر شاگرد بزرگوارش شیخ طوسی، که خود در

^۲ . اولین فقیه شیعی که پا از دایره‌ی اخبار و نقل فراتر گذاشته و به بیان نظریات عقلانی پرداخت، شیخ مفید (ره) بود. وی در کتاب المقنعه به بیان نظرات فقهی خود پرداخته و بحث ولایت فقیه را در باب امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود مطرح نموده است. ایشان در این باب پس از آنکه اقامه حدود را بر عهده سلطان اسلام و منصوب از سوی خدا، یعنی ائمه (ع) می‌داند، پس از ایشان امر اجرای حدود را تفویض شده از سوی معصومین (ع) به فقهای شیعه دانسته‌اند. شیخ مفید در بحث وصیت می‌گوید: «اگر وصی بمیرد، در نبود سلطان عادل، فقهای عادل شیعه که صاحب عقل و نظر و فضل هستند، تمام آنچه را سلطان اسلام (امام معصوم) سرپرستی می‌کند، به عهده دارند» (مفید، ۱۴۱۰: ۶۷۵).

صحنه حاضر بود، روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، همانند و نظیر نداشت (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۳۹). هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشییع کردند و سید مرتضی علم‌الهدی بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد علیه‌السلام پای آن حضرت و نزدیک قبر استادش ابن قولویه مدفون گردید (نجاشی، ۱۴۱۷: ۳۹۸). در اینجا به مبانی فکری و گفتمانی شیخ مفید پیرامون ولایت فقیه و حکومت اسلامی اشاره می‌شود.

۴-۱- ولایت فقه‌های شیعه در عصر غیبت: شیخ مفید ولایت فقیه را در ردیف ولایت سلطان عادل (امام) دانسته و در دایره مفهوم عام «سلطان اسلام» قرار داده است (مفید، ۱۴۱۳: ۶۵) از این رو زمانی که از سلطان اسلام و گستره مسئولیت‌ها و اختیارات او سخن می‌گوید، به گونه‌ای مفهوم سلطان را تفسیر می‌کند که شامل فقیه جامع‌الشرایط نیز می‌شود؛ برای نمونه، درباره اقامه حدود چنین می‌گوید: «أما إقامه الحدود فهو إلى سلطان الإسلام المنصوب من قبل الله تعالى و هم أئمة الهدى من آل محمد صلى الله عليه وآله و من نصبوه لذلك من الأمراء و الحُكَّام و قد فوضوا النظر فيه إلى فقهاء شيعتهم»؛ اقامه حدود بر عهده سلطان اسلام منصوب از سوی خداوند متعال که ائمه هدی هستند و امیران و حاکمان منصوب از سوی ایشان است و نظارت بر اقامه این حدود در عصر غیبت به فقه‌های شیعه تفویض شده است. ایشان در باب وصیت نیز با عبارتی عام، فقه‌های شیعه را در همه اموری که امام‌علیه‌السلام در آنها صاحب اختیار است، دارای ولایت می‌داند: «و إذا عدم السلطان العادل، كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوى الرأى و العقل و الفضل أن يتولوا ما تولاه السلطان»؛ ۳۴ زمانی که سلطان عادل حضور نداشته باشد، فقه‌های عادل، ذوی‌الرأى، عاقل و فاضل شیعه متولی آنچه ایشان در آن ولایت دارند، هستند. بیشتر محققان معاصر با استناد به این عبارت شیخ مفید، ایشان را از قائلان به اثبات همه اختیارات امام‌علیه‌السلام برای فقه‌های شیعه در عصر غیبت دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸).

شیخ مفید در آثار خود فقهایی را دارای ولایت می‌داند که از شرایط خاصی همچون فقاها، عدالت، مأمون بودن، صاحب عقل و رأی و افضل بودن برخوردار باشد. ظاهراً مراد ایشان از قید «مأمون بودن» فراتر از عدالت است، چرا که از نظر ایشان برخی از کارها هر چند جایز و مباح است، مانع از دخالت فقیه در امور اجتماعی و اقتصادی می‌شود، از این رو فقیه جامع‌الشرایط در باب ولایت و حکومت شرایطی افزون بر فقیه جامع‌الشرایط در باب افتا و مرجعیت لازم دارد که از جمله آنها، مأمون بودن است. قید «عقل و رأی» نیز فراتر از شرایط عامه تکلیف بوده و برای خروج مجنون و دیوانه نیست، بلکه مقصود روشن‌بینی، تدبیر و زیرکی خاصی است که برای رهنمون جامعه لازم می‌باشد (مفید، ۱۴۱۴: ۲۱).

۴-۲- حکومت و حکمرانی در اندیشه سیاسی شیخ مفید: ابن‌معلم، که رهبری فکری و زعامت فقهی شیعیان را به عهده داشت، در فعالیت‌های سیاسی نیز با بهره‌گیری از حمایت‌های مقطعی آل بویه و پذیرش خطرهای مهاجمان کج‌اندیش و وابسته به دستگاه خلافت عباسی، افزون بر طرح مباحث امامت و رهبری، برای نخستین بار، به تبیین

مسئله «ولایت فقیه» در قالب «شرح وظایف سلطان اسلام» پرداخت (آذری قمی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). و آن را نظامی الهی برشمرد. این اندیشه که برگرفته از موارد متعدد سخنان امامان معصوم علیهم السلام بود، زمینه‌ساز اجرای مدیریت فقهی در بحث‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی در مقاطع رو به توسعه حیات سیاسی شیعه گردید که از آن میان می‌توان به مسئولیت‌های بعدی و مدیریت فقهی فقیهانی همچون سید مرتضی، سید رضی و علامه حلی و سرانجام، به مدیریت جامع امام خمینی در اندیشه «ولایت مطلقه فقیه» اشاره کرد.

شیخ مفید در مقام مرجعیت و زعامت و با توجه به نیازهای شیعه در عصر خویش، به تألیف کتاب‌های متعددی در زمینه‌های گوناگون اقدام کرد که پاسخگوی مسائل اعتقادی، فقهی و سیاسی شیعیان باشند. وی در زمینه‌های حدیث، فقه، کلام، اصول فقه و تاریخ، آثار پرارزشی به جای گذاشت.

ابن معلم در آثار فقهی و کلامی خود از جمله، المقنعه، اوائل المقالات و اجوبه المسائل السرویة، به مباحثی درباره وظایف و جایگاه حاکم اسلامی و تنها چهره صالح برای حکومت، اشاره نموده است. وی در کتاب المقنعه در چندین باب، این نکته مهم را متذکر می‌شود که اجرای یک سلسله از احکام اسلامی همانند اجرای حدود، امر به معروف، نهی از منکر، قضاوت و دیگر امور حکومتی و فقهی تنها در صلاحیت ائمه اطهار علیهم السلام است و در زمان غیبت امام معصوم (عج)، رسیدگی به این امور را با تحقق شرط امکان، به فقیهان شیعه واگذار کرده‌اند.

شیخ مفید از «ولایت فقیه»، گاهی به سلطان اسلام (مفید، ۴۱۴: ۸) حاکم و یا نایب سلطان اسلام، امام مسلمانان و ناظر بر امور مسلمانان تعبیر می‌کند و در موارد متعددی، واژه «سلطان اسلام» و «سلطان زمان» را به فقیه اطلاق کرده و فقیهان را قائم مقام سلطان و سرپرست اموری می‌داند که به عهده سلطان اسلام است. ایشان در برخی موارد، مشکلات پیش آمده در عصر خویش را با واژه «امرهای سلطان الزمان» در رجوع به فقها حل می‌کند. «سلطان اسلام» و یا «حاکم اسلام» در بیان شیخ مفید، این‌گونه تعریف شده است: اما اجرای حدود، بر عهده سلطان اسلام است که از جانب خدای متعال نصب شده و آنان عبارتند از: امامان هدایتگر از آل محمد، و کسانی که آنان به امارت نصب کرده‌اند و یا آنها این ولایت را به فقهای شیعه تفویض فرموده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۲۳).

«سلطان» لفظی است که ابتدا شیخ مفید آن را در فرهنگ فقه شیعه وارد کرد؛ زیرا امیران مقتدر آل بویه در قلمرو خلافت عباسی، واژه «سلطان» را کنار واژه «خلیفه»، که در فرهنگ اهل سنت بود، برای خود برگزیده بودند تا میان آنان و خلیفه عباسی تمایز وجود داشته باشد با توجه به اینکه لفظ «سلطان» فی نفسه می‌تواند هم بر حاکم عادل و هم بر حاکم جائر اطلاق شود، روشن است که منظور شیخ از «سلطان» سلطان عادل یا سلطان اسلام است؛ یعنی کسانی که از طرف خداوند منصوب شده‌اند.

شیخ مفید «سلطان اسلام» را معادل قدرت سیاسی مشروع در جامعه می‌داند. شاید بتوان گفت: بهترین تعبیر در کتب و ابواب فقه، از فقیه به عنوان سلطان اسلام و حاکم یا نایب سلطان اسلام ارائه شده است.

«فقیه» عنوان دیگری است که در تعبیرهای شیخ به کار رفته و مسئولیت‌ها و شرح وظایفی را، اعم از حکومتی و غیر آن، برای او ذکر می‌کند. اصطلاح کلیدی دیگر به کار رفته در متن *المقنعه*، «الناظر فی امور المسلمین» است. این واژه در باب وصیت وارد شده است و به وضوح، دامنه و محدوده اختیارات فقیه را مشخص می‌کند و به عبارت دیگر، بیان می‌دارد که امام و رهبر جامعه موظف است در امور عمومی مردم و روند کلی امور اجتماعی و سیاسی نظارت کند. امر نظارت نیز در صورتی عملی است که قدرت سیاسی برای پشتیبانی وجود داشته باشد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که این فقیه شایسته در عصر تاریخی خود، بر مبنای اندیشه سیاسی شیعه، که ولایت و حاکمیت را حق ائمه اطهار علیهم السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و در عصر غیبت، حق فقیهان می‌داند، تکیه کرده و آن را در آثار فقهی و کلامی باارزش خود مطرح نموده و بر این عقیده است که ولایت و سلطنتی که برای فقیهان وجود دارد، همان ولایت مطلق رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در حکومت عام آنها اطاعت مطلق مردم از آنان، لازم است (آذری قمی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

۳-۴- ضرورت حکومت اسلامی: ضرورت رهبری و حکومت تا حدی است که هر گاه جامعه از داشتن دستگاه حکومتی صالح محروم باشد و بر سر دوراهی داشتن رهبر و حکومت ناصالح و یا بی قانونی و هرج و مرج قرار گیرد، فرض نخست متعین و مرجح است؛ زیرا در جامعه بی قانون و فاقد دستگاه قدرت سیاسی، قانون حتی به طور نسبی هم حکومت نمی‌کند و هیچ حریمی حفظ نخواهد شد؛ اما در جامعه‌ای که قانون و حکومت برقرار است، دست کم تا آنجا که مصالح حکومت ایجاب می‌کند، نظم و قانون برقرار خواهد بود.

شیخ مفید در مباحث اندیشه سیاسی اشاره کرده و اجرای حدود الهی را غایت و ضروری حکومت اسلامی می‌داند: فقها باید حدود الهی را اجرا کنند، دست دزد را قطع کنند، زانی را تازیانه بزنند، قاتل را قصاص کنند. حتی کسی که از ناحیه سلطان جور، مسئولیت پذیرفته، موظف است از این قدرت در مسیر اجرای حدود الهی و احکام خداوند و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با کافران، بهره گیرد و بر مؤمنان لازم است که تا وقتی او در مسیر حق قرار دارد و از دستورات سلطان جائر پی‌روی نمی‌کند، او را کمک کنند و هنگامی که دیدند از سیاست این حاکمان پی‌روی می‌کند، هیچ کس حق کمک کردن به او را ندارد. (مفید، ۱۴۱۴: ۹۶).

در این کلام، آنچه روشن است این نکته است که در مثل عصر حاضر، فقهای ما باید نظام مقتدر اسلامی را تشکیل دهند و با قدرت هر چه تمام‌تر، در مقابل کفار و مستکبران بایستند و اگر این مهم قابل دست‌رسی نبود، باید در زمان برقراری حکومت جور - اگرچه مشروعیت ندارد - به کسانی که در این حکومت توانایی اجرای حدود الهی را دارند، متوسل شوند و او را یاری نمایند.

شیخ مفید در *اوائل المقالات* نیز درباره وجود و ضرورت حکومت در سرزمین‌ها، دایره حکومتی مناطق گوناگون را به «بلاد اسلام» و «بلاد ایمان» و «بلاد کفر» تقسیم می‌کند و با این کار بیان می‌دارد: در هر سرزمینی باید حکومتی

وجود داشته باشد؛ اما معیار حکومت صحیح قرار گرفتن در بلاد ایمان است و اگر فراهم نشد باید به سراغ بلاد اسلام رفت تا شریعت و حدود الهی به خوبی اجرا گردد. غیر این، قرار گرفتن در بلاد کفر است. وی می‌نویسد:

هر بخش از بلاد اسلام، که شرایع اسلام جز به وجود امامت آل محمد علیهم السلام در آن روان باشد «دارالاسلام» است، نه «دارالایمان»، و هر بخش از بلاد اسلام، خواه با جمعیت زیاد و خواه با جمعیت کم، که در آن شرایع اسلام همراه با اعتقاد به امامت آل محمد علیهم السلام وجود داشته باشد آنجا «دارالاسلام» و «دارالایمان» است. به اعتقاد من، ممکن است سرزمینی در عین اینکه دارالاسلام است، دارالکفر نیز باشد، ولی ممکن نیست که سرزمینی دارالایمان و دارالکفر هر دو باشد (مفید، ۱۴۱۴: ۸۹).

نتیجه سخن آنکه در هر عصری، تشکیل حکومت یکی از وظایف بزرگان دین است. این مهم در عصر غیبت امام معصوم (عج) بر فقیهان شیعه است که به تشکیل حکومت برای اجرای حدود الهی و قوانین فقهی، برقراری عدل، مبارزه با ظلم، ایجاد نظم اجتماعی و ثبات سیاسی، هدایت معنوی و فراهم کردن بستر سعادت افراد در جامعه پرداختند. زیرا در این نگاه شیخ مفید حکومت خلفای عباسی و حاکمیت امرای آل بویه، هیچ‌گونه مشروعیتی ندارند.

۴-۴- انواع نظام سیاسی و نظام سیاسی مطلوب: از نظر شیخ مفید، در جامعه اسلامی برای تأمین صلاح و رستگاری مردم وجود نظام سیاسی ضرورتی مسلم است، چه به واسطه سلطان عادل محقق و چه به واسطه سلطان غیر عادل تحقق یابد - که از باب اضطرار قابل قبول است. بر این اساس، نظام سیاسی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو صورت قابل تصور است: یکی، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان عادل و افراد منصوب یا مأذون از سوی ایشان و دوم، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان جائز و ولات ایشان. ۵. در این نوشته نظام سیاسی مبتنی بر ریاست سلطان عادل و خاستگاه، شرایط، اختیارات و وظایف و چگونگی تداوم آن را در عصر غیبت بر اساس دیدگاه شیخ مفید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مطلوب‌ترین نظام سیاسی از نظر شیخ مفید، نظام مبتنی بر ریاست و امامت کسی است که از سوی خداوند - عزوجل - مبعوث شود (مفید، ۱۴۱۳: ۲۶)، احکام الهی را اجرا کند، حدود الهی را برپا دارد و شریعت آسمانی را نگه داشته، مردمان را بر اساس آن تأدیب و سیاست کند. در این نظام، ریاست چنین فردی مقدم بر هر کس دیگر بوده و اطاعتش بر همگان واجب است. بالاترین مصداق این گونه نظام سیاسی، نظامی است که پیامبری در رأس آن قرار گرفته باشد. نظام مطلوب پس از پیامبر، نظام مبتنی بر ریاست امام عادل (سلطان عادل، ناظر بر امور مسلمانان و حاکم اسلامی) است: «امام کسی است که ریاست عامه مردم در امور دینی و دنیوی، به نیابت از پیامبر به او واگذار شده است». امام جانشین پیامبر در اجرای احکام، اقامه حدود، حفظ شریعت و تأدیب و سیاست مردمان است. اولین مصداق چنین نظامی از منظر شیخ مفید، نظام حکومتی امام علی علیه السلام است (مفید، ۱۴۱۳: ۵۸). امام پس از امام علی علیه السلام، با روی کار آمدن معاویه و یزید همواره جباران بنی‌امیه، بنی‌مروان و بنی‌عباس بر مسلمانان حاکم

شدند و مردم نیز تا قدرت و ریاست را در آنان جمع دیدند، اطاعتشان کردند و حتی از اولیای الهی و سلاطین عادل، کامل، حکیم و عالم روی گردان شدند، از این رو نظام سیاسی مطلوب شیعه مصداقی پیدا نکرد. طبق نظر شیخ مفید در زمان حاضر نیز برترین نظام سیاسی، نظامی است که امام زمان(عج) در آن، والی خلق در جمیع امور دینی و دنیوی باشد، اما از آن جا که آن حضرت به دلیل کثرت دشمنان و قلت ناصران و یا به دلیل مصلحت دیگری از نظرها پنهان است و نظام سیاسی مبتنی بر حضور ایشان محقق نشده، از چندین طریق باید زندگی سیاسی شیعیان را در عصر غیبت ایشان نظام داد: یکی، از طریق تقیه و مدارا با سلاطین حاکم و دیگری، از طریق مراجعه به فقهای عادل و مآذون از سوی امام زمان(عج). از نظر شیخ مفید، تمامی اختیارات امام(عج) به فقهای عادل و مآذون از سوی ایشان تفویض شده و آنها در صورت تمکن می‌توانند به نیابت از سوی ایشان متولی همه اختیارات آن حضرت باشند. ۱۴ به اعتقاد شیخ مفید، مطلوب‌ترین نظام سیاسی در عصر غیبت نظام مبتنی بر ریاست حاکمان فقیه و عادل و مآذون از سوی امام زمان(عج) است.

۵- اسلام سیاسی و حکمرانی ولایی در چارچوب فکری و گفتمان امام خمینی(ره)

اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. در نظر برخی از پژوهشگران به خاطر نقصی که در ارائه یک تعریف کامل از اسلام سیاسی وجود دارد، بیشتر نویسندگان ترجیح می‌دهند واژه‌های اسلام‌گرایی و اسلام‌گرا را به کار ببرند (Karame, 201: 1996). اولاف اتویک در تقسیم‌بندی جریان‌های اسلامی و نهضت اسلامی سه ویژگی برای نهضت‌های اسلامی بیان می‌کند: اول: همه نهضت‌های اسلامی حرکت خود را حرکت اسلامی می‌دانند؛ دوم: همه نهضت‌ها خواهان ایجاد دولت اسلامی(نظام سیاسی) هستند که قابل انطباق با شرایع دینی باشد؛ سوم: این نهضت‌ها ساختار جنبشی خود را به گونه‌ایی ایجاد کرده و متحول می‌کنند که به اکثر اهداف یا همه آن دست یابند (۲۰۰: Roy, 1994). با مطالعه شاخصه‌های نهضت‌های اسلامی و بعد از پشت سر گذاشتن دوران طلایی اسلام سیاسی در دهه ۷۰ و یا ۸۰ میلادی که اوج آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که موجب تاسیس نظام سیاسی و تحول و استمرار اسلام سیاسی شده است. در واقع، اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است.

هدف نهایی اسلام سیاسی، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد. اندیشمندان دلایل مختلفی برای ظهور اسلام سیاسی از جمله شکست نخبگان غیرمذهبی سکولار، فقدان مشارکت سیاسی، بحران خرده بورژوازی، دلارهای نفتی و توسعه‌ی نابرابر و اثرات زوال فرهنگی بر شمرده‌اند. اسلام سیاسی

فقاہتی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) است و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به عنوان مفسران اصلی شریعت تاکید می‌کند. در اسلام سیاسی فقاہتی، علم فقه به دلیل نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد، همچنین فقه‌به-عنوان کارشناسان معتبر دینی از جایگاهی بلند برخوردارند. روحانیون در این گفتمان تنها مفسران معتبر شریعت به شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت، اسلامی بی‌محتوا، انحرافی و... تلقی می‌گردد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

نہضت امام خمینی (ره) از این جهت اهمیت دارد که وی نه تنها با رژیم پهلوی به طور خاص بلکه با نظم رایج در جهان اسلام به طور عام نیز به مخالفت برخاست. به واسطه ایشان است که اسلام گرایی از یک مخالفت ساده و طرح سیاسی به کنار افتادند به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل می‌شود (بابی، ۱۳۷۹: ۲۸). انقلاب اسلامی در ایران به-عنوان یک دولت مدرن بر پایه اسلام شکل گرفت. این انقلاب ریشه در جریان‌های اسلام سیاسی در ایران دارد. از آنجا که این جریان اسلام سیاسی علت عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زائیده استعمار جدید غرب می‌داند انقلاب اسلامی نگرش‌های ضد غربی یافت. از یک سو اسلام سیاسی لیبرال دولتی مدرن و دموکراتیک مبتنی بر محوریت اسلام را ترسیم می‌کرد. در این میان انقلاب اسلامی ایران بیش از همه از جریان اسلام سیاسی فقاہتی تغذیه شد. این جریان به رهبری امام خمینی (ره) که بر اساس تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست قرار داشت به مخالفت با رژیم پهلوی پرداخت و خواهان تشکیل دولتی مدرن بر پایه‌ی اسلام، ضد استعمار و ضد استبداد گردید. اسلام سیاسی فقاہتی امام خمینی (ره) با محوریت روحانیت به بسیج مردم دست زد و بر اساس نظریه ولایت فقیه موفق به تشکیل نظام سیاسی شد.

گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) برگرفته از آموزه‌های اسلام شیعی است. تحول ایدئولوژیک (اندیشه سیاسی تشیع) روحانیت شیعه به رهبری امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی-اسلامی است که در دوره معاصر، ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی اجتهاد شکل گرفته است. در واقع، فقه شیعه همواره خود را با واقعیت‌های اجتماعی زمان خود تطبیق می‌داده است. بر این اساس، امام در چهار مرحله به نظریه ولایت فقیه پرداختند، در مرحله نگارش کتاب «کشف اسرار» بحث ولایت فقیه را در سال ۱۳۲۳ مطرح کردند. بعدها در سال ۱۳۳۱ در کتاب «رسائل» دوباره این بحث را پیش کشیدند. در ۱۳۴۳ در «تحریر الوسیله» و در سال ۱۳۴۸ «کتاب البیع» نظریه ولایت فقیه را مجدداً مطرح کردند. از این زمان رویکرد سیاسی نہضت روحانیت بصورت جدی دنبال شده و نظریه تاسیس نظام جمهوری اسلامی مطرح شد.

در واقع، نظریه و دکترین ولایت فقیه از جمله نظریات بدیعی است که توسط امام طرح و تبیین گردید و با پیروزی انقلاب اسلامی مبنای نظام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. ولایت فقیه یعنی اداره امور

جامعه در زمان غیبت امام عصر(عج) توسط فقهای است که بر کتاب و سنت احاطه داشته و دارای شرایطی مانند عقل، علم، توانایی، عدالت و آگاهی به زمان، حافظ دین و مخالف هوای نفس باشند که ولایت فقیه به این معنا ضامن اجرای قوانین اسلام است (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). امام خمینی(ره) اولین حکومت مستقل ولایت فقیه را عملاً اجرا نموده و کاملترین نظریات در مورد ولایت فقیه را ارائه نموده‌اند، ضرورت تشکیل حکومت را که از دلایل عقلی ولایت فقیه است چنین بیان می‌کنند: «احکام الهی اعم از احکام مالی، سیاسی و حقوقی همچنان باقی است و نسخ نشده است و نفس وجود احکام، ضرورت حکومت و ولایت را اقتضاء دارد و حفظ قوانین الهی جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست؛ زیرا مستلزم هرج و مرج خواهد بود.» (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۱۹). ایشان معتقدند همانطور که پیامبر(ص) برای اجرای احکام دین حکومت تشکیل دادند، پس از ایشان نیز از آنجایی که احکام و حدود و قوانین جزایی اسلام و جهاد و باید اجرا شوند و تعطیل بردار نیست، تشکیل حکومت ضرورت دارد. چنانکه بعد از رحلت پیامبر(ص) کسی درباره لزوم حکومت شکی نداشت و همه مسلمین در اینکه باید حکومت باشد اتفاق داشتند و فقط در شخص مورد نظر اختلاف بود (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۵-۱- نظریه ولایت فقیه و نظام ولایی: از نظر امام خمینی ولایت بر جامعه ی مسلمین امری است که هم عقل ما را به آن رهنمون می‌کند و هم تصریحات فراوانی از شرع بر آن رسیده است. ایشان معتقد است: «عقل و نقل با هم متحدند در اینکه والی باید عالم به قوانین و عادل در میان مردم و در اجرای احکام باشد. بنابراین امر حکومت به عهده ی فقیه عادل نهاده می‌شود و هم اوست که صلاحیت ولایت مسلمین را دارد» (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۶۵).

ایشان در توضیح دلیل این امر می‌فرماید: «فما هو دلیل الامامه بعینه دلیل علی لزوم الحکومه بعد غیبت ولی الامر (ع)» آنچه دلیل امامت است خود آن، دلیل لزوم حکومت بعد از غیبت ولی امر (عج) می‌باشد. (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۶۱) البته وی به بداهت ولایت فقیه نیز تصریح می‌کند: «فولایه الفقیه- بعد تصور اطراف القضیه- لیست امراً نظریاً یحتاج الی البرهان». (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۶۲) به این معنا که هر کس عقاید و احکام اسلامی را، - حتی اجمالاً- دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. گرچه چنان که دیدیم، علی‌رغم اینکه آن را از بدیهیات می‌دانند به دلایل عقلی آن نیز اشاره کردند.

امام خمینی همچنین به روایات زیادی در استدلال بر ولایت فقیه استناد جسته‌اند. از جمله به این روایت که: «... الفقهاء حصون الاسلام...». تبیین ویژه ی امام از روایت به نگاه ژرف و جامع ایشان وابستگی عمیق دارد: «اسلام حکومت است در جمیع شئون آن و احکام شرعی [فرضی] قوانین اسلام هستند و احکام جلوه ای از جلوه های حکومت هستند؛ بلکه احکام مطلوب بالعرض و وسایلی هستند که در جهت اجرای حکومت و بسط عدالت به کار

گرفته می شوند. پس اینکه فقیه حصن اسلام است، معنایی ندارد مگر اینکه او سرپرست اسلام است. همچنان که پیامبر (ص) و ائمه (ع) سرپرست اسلام بوده اند در جمیع امور حکومتی». (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۳۷).

ایشان با استناد به روایت «ان العلماء ورثة الانبياء...» چنین استدلال می کنند که: «مقتضی اینکه فقها وارثان انبیا هستند - و از جمله انبیا پیامبر خاتم است و انبیای دیگری که ولایت عامه داشته اند - انتقال هر آنچه برای آنان بوده به فقها است، مگر اینکه ثابت شود انتقال ممکن نیست و شبهه ای نیست که سلطنت قابل انتقال است». (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۳۷)

به نظر امام خمینی «علم به قانون» و «عدالت» دو شرط از شروط اساسی و اصلی ولی فقیه است. البته ایشان «کفایت» را نیز از جمله شروط اساسی ولی فقیه برشمرده و می گوید: «حکومت اسلامی چون حکومت قانون است، بلکه فقط حکومت قانونی الهی است و هدف از این حکومت اجرای قانون و بسط عدالت الهی بین مردم است؛ پس باید والی و رهبر این حکومت دارای دو ویژگی باشد که آن دو اساس حکومت قانونی است و تحقق حکومت قانون بدون آن دو صفت امکان ندارد. آن دو صفت عبارتند از: علم به قانون و عدالت. شرط کفایت و کاردانی در مفهوم وسیع علم داخل است و شکی نیست که حاکم باید از کفایت و کاردانی بهره مند باشد و اگر می خواهی بگو که کفایت نیز شرط سومی از شروط اساسی است. (خمینی، ۱۴۱۰: ۴۳۱) به نظر ایشان قانون دانی و عدالت از نظر مسلمانان شرط و رکن اساسی است. ایشان معتقد است: «آنچه مربوط به خلافت است و در زمان رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) ما درباره ی آن صحبت و بحث شده و بین مسلمانان هم مسلم بوده این است که حاکم و خلیفه، اولاً باید تمام احکام اسلام را بدانند یعنی قانوندان باشد و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. عقل همین اقتضا را دارد؛ زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون است، نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم. اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست. چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می شود و اگر نکند نمی تواند حاکم و مجری قانون اسلامی باشد. و این مسلم است که «الفقهاء حکام علی السلاطین»، سلاطین اگر تابع اسلام باشند باید به تبعیت فقها در آیند و قوانین و احکام را از فقها بپرسند و اجرا کنند؛ در این صورت حکام حقیقی همان فقها هستند. پس باید حاکمیت رسماً به فقها تعلق بگیرد، نه به کسانی که به علت جهل به قانون مجبورند از فقها تبعیت کنند». (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۶۱).

امام درباره ی شرط عدالت نیز معتقدند: «زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد و دامش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می خواهد حدود جاری کند یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا گذارد، متصدی بیت المال و دخل و خرج مملکت شود و خداوند اختیار بندگانش را به او بدهد، باید معصیت کار نباشد. «و لا ینال عهدی الظالمین» خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی دهد. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین؛ اخذ مالیات ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد و ممکن

است عوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید و بیت المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی خویش کند. بنابراین نظریه ی شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده دار آن شوند، در دوره ی رحلت پیغمبر اکرم (ص) تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد». (خمینی، ۱۳۶۹: ۵۳).

در رابطه با اختیارات ولی فقیه امام مبر این باور بودند که، برای فقیه عادل، جمیع آنچه برای پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام ثابت است، از آنجا که به حکومت و سیاست برمی گردد محقق است و فرق گذاردن [بین پیامبر و امام و فقیه] معقول نیست؛ چرا که والی مجری احکام شریعت و مقیم حدود الهی و گیرنده ی خراج و سایر مالیات و متصرف در آنهاست، به آنچه صلاح مسلمین است. پس پیامبر (ص) زانی را صد تازیانه می زند؛ امام همچین و فقیه نیز همچین و صدقات را نیز به روش واحد می گیرند و اقتضای مصالح مردم را به اوامری که والی می تواند فرمان دهد، امر می کنند و بر مردم نیز اطاعت لازم است». (خمینی، ۱۴۱۰: ۲۲۹).

۵-۲- انواع نظام سیاسی و نظام سیاسی مطلوب: سیاست و حکومت را امام سه دسته تقسیم کرده اند: نخست، سیاست و حکومت شیطانی و فاسد: دروغ گوئی، چپاول مردم، تزویر و... (داستان آزادی امام از زندان و... امام که سیاست شیطانی هیچ ربطی با اسلامی ندارد)، دوم، سیاست و حکومت حیوانی و این جهانی: دروغ ندارد، نیرنگ ندارد، ولی جسمانی دنیایی هست برای سعادت دنیایی هست نه سعادت آخرتی، تنها در این بعد انسان را در قالب حیوان دیده است. به ظاهر سکولارها دنبال چنین نظامی هستند، سوم، سیاست و حکومت الهی و اسلامی: سعادت محور اخروی و دنیوی، جهانشمول هست، قسط، سیاست صراط مستقیم نامیده اند. از دنیا شروع و به آخرت ختم میشود.

حکومت اسلامی نه استبدادی هست، نه مطلقه هست؛ بلکه حکومت اسلامی «مشروطه» هست نه مشروطه متعارف کنونی که تصویب قوانین دنیایی و مردمی. حکومت اسلامی مشروط به قوانین الهی و اجرای آن هست (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

۵-۳- سیاسی بودن (اسلام سیاسی): یکی از مشخصه های اصلی قرائت امام خمینی (ره) از اسلام، سیاسی بودن آن است. در کلام امام «اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می گیرد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۶۵). امام خمینی (ره)، تفسیری از اسلام ارائه می دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیر توحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه های قران و سیره پیامبر و ائمه نیست (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۹۸). اسلام در قرائت امام (ره)، جامعیت آن است. چنانچه ایشان در این ارتباط بیان می دارند «اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص

مادیات است، هر دو را دارد (صحیفه نور، ج ۲: ۲۲۵). یعنی دین اسلام در سعادت بشری و قرب الهی به مادیات و معنویات توجه کرده و مسایل مادی وسیله رسیدن به مرحله معنوی و مکمل است.

۴-۵- عدالت؛ ائمه و فقهای عادل موظف اند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۶). استفاد می‌شود که، دال‌های شناور همچون ولایت فقیه، استقلال، نفی نظام سلطه محور دال مرکزی که همان اسلام شیعی است تکوین یافته است. اسلام شیعی که ماهیتی سیاسی یافته است. در واقع نظام سیاسی و حکومتی اسلام از موضوعات بسیار محوری و بنیادین گفتمان حضرت امام خمینی محسوب می‌شود.

۵-۵- حکومت الهی: امام درباره منبع حاکمیت بر این باور بودند که: «کسی جز خدا حق حاکمیت بر کسی را ندارد، حق قانونگذاری ندارد؛ به حکم عقل، خدا باید برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند. اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده و پس از این اثبات می‌کنیم که این قانون برای همه و همیشه است.» (خمینی، ۱۳۵۸: ۱۸۴). امام در سیره نظری و عملی خود نظریه مشروعیت الهی - مردمی را پذیرفته‌اند؛ به طوری که همواره در کنار مشروعیت الهی از اعتماد اکثریت مردم یا آرای اکثریت قاطع ملت نام برده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

۶-۵- سیاسی بودن (اسلام سیاسی): یکی از مشخصه‌های اصلی قرائت امام خمینی (ره) از اسلام، سیاسی بودن آن است. در کلام امام «اسلام تمامش سیاست است و سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۶۵). امام خمینی (ره)، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که در آن اسلام «برخلاف مکاتب غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت دارد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۶۵). در نتیجه، جدایی دین از سیاست موضوعیت ندارد؛ زیرا جدایی دین از سیاست نوعی بدعت است و برآمده از آموزه‌های قران و سیره پیامبر و ائمه نیست (فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۹۸).

۶- سیر تحول نظریه ولایت فقیه و حکمرانی اسلامی

سیر اندیشه و فقه سیاسی شیعه و نظریه ولایت فقیه از دوره شیخ مفید تا دوره امام خمینی روند و رویکرد اصلاحی داشته و کمتر به انقلاب و تشکیل نظام سیاسی تاکید کرده است. هرچند امام و به تبع آن، اقدامات سیاسی وی علیه رژیم پهلوی، در یک مقطع از تاریخ اندیشه و عمل سیاسی ایشان، اصلاحی است. اما ایشان تنها به گفتمان اصلاح نمی‌پردازد، بلکه علی‌رغم همه توضیحاتی که درباره همکاری ائمه و علما با سلاطین جائر دارد، دست از این همکاری مصلحت‌اندیشانه می‌کشد و حفظ کشور اسلامی را در گرو حرکتی جدید، که عبارت انقلاب، نفی رژیم سلطنتی و تأسیس حکومت اسلامی است، معنا می‌کند. در واقع، تحول مهم تاریخ اندیشه سیاسی شیعه که امام خمینی، بانی و عامل آن در دوره معاصر بود، انتقال از تفکر اصلاحی به تفکر انقلابی است (لک زایی، ۱۳۸۳: ۱۲).

تحول ایدئولوژیک (اندیشه سیاسی تشیع) روحانیت شیعه به رهبری امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی - اسلامی است که در دوره معاصر، ارائه و عملی شد. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه سیاسی امام است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی اجتهاد شکل گرفته است. در واقع، فقه شیعه همواره خود را با واقعیت‌های اجتماعی زمان خود تطبیق می‌داده است. بر این اساس، امام در چهار مرحله به نظریه ولایت فقیه پرداختند، در مرحله نگارش کتاب «کشف الاسرار» بحث ولایت فقیه را در سال ۱۳۲۳ مطرح کردند. بعدها در سال ۱۳۳۱ در کتاب «رسائل» دوباره این بحث را پیش کشیدند. در ۱۳۴۳ در «تحریر الوسیله» و در سال ۱۳۴۸ «کتاب البیع» نظریه ولایت فقیه را مجدداً مطرح کردند. از این زمان رویکرد سیاسی نهضت روحانیت بصورت جدی دنبال شده و نظریه تاسیس نظام جمهوری اسلامی مطرح شد.

در واقع، نظریه و دکتترین ولایت فقیه از جمله نظریات بدیعی است که توسط امام طرح و تبیین گردید و با پیروزی انقلاب اسلامی مبنای نظام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. ولایت فقیه یعنی اداره امور جامعه در زمان غیبت امام عصر(عج) توسط فقهای است که بر کتاب و سنت احاطه داشته و دارای شرایطی مانند عقل، علم، توانایی، عدالت و آگاهی به زمان، حافظ دین و مخالف هوای نفس باشند که ولایت فقیه به این معنا ضامن اجرای قوانین اسلام است (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). امام خمینی(ره) اولین حکومت مستقل ولایت فقیه را عملاً اجرا نموده و کاملترین نظریات در مورد ولایت فقیه را ارائه نموده‌اند، ضرورت تشکیل حکومت را که از دلایل عقلی ولایت فقیه است چنین بیان می‌کنند: «احکام الهی اعم از احکام مالی، سیاسی و حقوقی همچنان باقی است و نسخ نشده است و نفس وجود احکام، ضرورت حکومت و ولایت را اقتضاء دارد و حفظ قوانین الهی جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست؛ زیرا مستلزم هرج و مرج خواهد بود.» (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۱۹). ایشان معتقدند همانطور که پیامبر(ص) برای اجرای احکام دین حکومت تشکیل دادند، پس از ایشان نیز از آنجایی که احکام و حدود و قوانین جزایی اسلام و جهاد و باید اجرا شوند و تعطیل بردار نیست، تشکیل حکومت ضرورت دارد. چنانکه بعد از رحلت پیامبر(ص) کسی درباره لزوم حکومت شکی نداشت و همه مسلمین در اینکه باید حکومت باشد اتفاق داشتند و فقط در شخص مورد نظر اختلاف بود (خمینی، ۱۳۸۸: ۲۸). بر این اساس با پذیرش ذهنی و عملی ولایت فقیه تشکیل نظام سیاسی عملی شده و اسلام سیاسی نیز با تاسیس نظام جمهوری اسلامی محقق شد.

نتیجه‌گیری

پژوهش در پی بررسی این مسئله بود که اندیشه و دکتترین ولایت فقیه/نظام ولایی در فقه سیاسی تشیع در مقطع تاریخی زمانه شیخ مفید(ره) و امام خمینی(ره) چگونه متحول شد و چه تاثیری در رویکرد سیاسی و آینده حیات سیاسی شیعی و دولت تراز اسلامی داشت. شیخ مفید نظام سیاسی مطلوب شیعه را در چارچوب ریاست امامی عادل

بر امور دینی و دنیوی ترسیم کرده و بهترین الگوی این نظام را در عصر غیبت، ولایت از سوی فقهای مأذون از سوی امام و جامع الشرایط دانسته است. برای اولین بار، واژه «سلطان اسلام» را در فقه بیان کرده و در فقه سیاسی، به اولویت فقهای شیعه در اداره حکومت، جایگاه حاکم و سلطان اسلام، شرح وظایف وی و نامشروع بودن حکومت سلطان جائر پرداخته است. با مرور ابواب کتاب المقنعه در فقه شیعه، روشن می‌گردد که شیخ مفید برای حکومت، حضوری فعال و نیز برای فقیه، جایگاهی ویژه قایل است و هر فقیهی را برای امر خطیر رهبری لایق نمی‌داند، بلکه باید کسی رهبری شیعه را به عهده بگیرد که دارای شرایط خاصی از جمله توان مدیریت باشد. رویکرد سیاسی و روند تحولی ولایت فقیه و اندیشه حکومت اسلامی در قرن بیستم در مقایسه با گذشته خود، تحولات اساسی را طی کرد؛ زیرا برای نخستین بار اسلام سیاسی شکل گرفت، در پی ارائه دکترین ولایت فقیه و ولایت فقیهان عادل شیعه رویکرد سیاسی به اسلام شکل می‌گیرد که موجب شکل‌گیری نظام سیاسی «حکومت مبتنی بر اسلام» جدید می‌شود. که نشانگر سیر تحولی و تکاملی نظریه ولایت فقیه از عصر شیخ مفید به لحاظ نظری رشد کرده و سرانجام در دوره امام خمینی اوج نظری به خود گرفته و موفق به تجلی و نمود عملی در قالب نظام سیاسی شیعی شده است. اما سه دسته از عوامل بر روند تحول و تشکیل نظام سیاسی در مقاطع مختلف تاریخی تاثیر گذار بوده‌اند: نخست، طرح و بنیاد گذاری نظریه ولی فقیه توسط شیخ مفید و رشد آن؛ دیگری، تجربه‌های تاریخی و تلاش فقها برای تکامل نظریه فقهی و آزمون آن به خصوص از دوره مشروطیت و سرانجام، تحول در اندیشه سیاسی شیعه و طرح دکترین ولایت فقیه بصورت عملیاتی.

سه دسته عوامل بالا هر یک به تنهایی یا به صورت ترکیبی، بنیادها و شیوه و بستر تحول دکترین ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی را تحت تاثیر قرار دادند. در این روند، با تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی شیعه او پدیده اسلام سیاسی و تداوم آن، تحت تاثیر اندیشه و نظریه امام خمینی نمودار شد.

فهرست منابع

- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶)، کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی» مجموعه مقالات روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تاجیک محمد رضا، (۱۳۷۸) گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت سید صادق، (۱۳۸۷) روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۸). گونه‌شناسی ارتباط دین و سیاست در اندیشه سیاسی شیعه. قم: فصلنامه مفید، شماره ۴۴.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (۲۲ جلد)، تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

- خمینی، روح الله (۱۳۷۶)، اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - خمینی، روح الله (۱۳۸۸). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - خمینی، امام (۱۳۶۱)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
 - دارینی، محمود (۱۳۸۲)، سیری در اندیشه امام خمینی (ره)، مجله انقلاب اسلامی پاییز، شماره ۴۶.
 - دین پرست، فائز (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران»، تهران، دانشگاه امام صادق
 - رازی، شیخ محمد (۱۳۳۲)، آثار الحجّه، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب
 - رواء، الیویه (۱۳۷۸)، تجربه ی اسلام سیاسی، تهران: مرکز انتشارات بین المللی صدرا.
 - رواء، الیویه (۱۳۷۸)، تجربه ی اسلام سیاسی، تهران: مرکز انتشارات بین المللی صدرا.
 - سلطانی سید علی اصغر، (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، سال هفتم، شماره بیست و هشتم.
 - صالحی زاده، هادی (۱۳۹۰)، درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش های تحقیق کیفی
 - لک زایی، نجف (۱۳۸۳)، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، تابستان.
 - مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۲)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 - مرادی، علی اصغر و اباصلت فروتن (۱۳۸۹)، واژه نامه فقه سیاسی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
 - مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۶۹)، ج ۱، تهران: اسناد انقلاب نجاتی.
 - مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم: نشر الاسلامی.
 - میلز، سارا (۱۳۸۹)، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران، مرکز.
 - هوارث، دیوید (۱۳۸۸) نظریه گفتمان، در دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- منابع لاتین:

- Roy, oliver (1994), The Faihure of political Islam, London: I. B. Tauris.
- Lijphart, Arend (1971). "Comparative politics and the comparative method". American Political Science Review 65
- . Laclau and mouffe,(1987), Hegemony and 80 aalist sterategy: Towards a Radical Pemocratic Politics, London:werso.